



## مقدمه

فرزند، شیرین‌ترین ثمره زندگی است. وجود فرزند نه تنها عشق و علاقه، پای‌بندی و حس مسئولیت در زندگی مشترک و امیدواری به آینده را در والدین افزایش می‌دهد، بلکه آنان «خود مشترک» را در آینه وجود فرزند به تماشا می‌نشینند.

فرزند گل نوشکفته‌ای است که سبزه‌زار زندگی را با لطافت و طراوت آذین می‌بندد. فرزند عطیه‌ای الهی است که به لطف و فضل خداوندی، خیر کثیر را به ارمغان آورده و پدر و مادر را امانتدار الهی می‌گرداند و به آنها امکان می‌دهد که با تربیت اسلامی، خود را در گذر زمان جاودانه سازند و به هنگام کوچ از منزلگه دنیا، ماندگاری خویش را با وجود فرزندی صالح تثبیت نمایند. این آرزو جز با تربیت فرزندان، تحقق نمی‌پذیرد. اهتمام به مسایل تربیتی فرزندان از رمز و راز موفقیت والدین و یک خانواده پویا و با نشاط است. نکات کوتاه و مختصری که در نوشتار حاضر تقدیم حضور شده است، تنها به منظور ارائه سرنخ‌هایی برای توجه‌دادن شما عزیزان به تربیت و پرورش فرزندان تهیه شده است. این نکات بیشتر بر معرفی وظایف پدر و مادر در تربیت فرزندان متمرکز شده است.

## وظایف پدر و مادر

هر یک از فرزندان بر اساس ویژگی‌های متفاوتی که دارند، تقریباً نیازهای خاص خود را دارند. این نیازها باید

توسط پدر و مادر شناسایی شود و به تناسب ویژگی‌های آنان برآورده گردد. بدیهی است که نیازهای عاطفی کودک سه ساله با دوازده ساله و پسر با دختر متفاوت است. همچنین به هر دو نوع نیاز مادی و معنوی باید توجه شود. تربیت متوازن و متعادل مستلزم برآورده شدن هر دو نوع نیاز است.

فرزندان همواره نیازمند محبت هستند. فرزندانی که محبت و عاطفه پدر را درک نکرده باشد، آرزو می‌کند در بستر بیماری بیفتد تا شاید پدر در کنار او بنشیند و او را نوازش کند. این خطاست که تصور کنیم چون فرزندان ما بزرگ شده‌اند دیگر نیاز به محبت ندارند. فرزندان در دوران نوجوانی بیش از سایر مراحل نیازمند محبت هستند.

هنگامی که بین پدر و مادر از یک سو و بین آنان و فرزندان از سوی دیگر صمیمیت و صفا نباشد، فرزندان لذت و آسایش خود را از منبع دیگری جستجو می‌کنند و در جستجوی فضایی خارج از خانه هستند که لذت‌بخش‌تر از خانه باشد. در این جستجوها، گاهی به دام افراد گمراه می‌افتند و احتمال گمراه شدن آنان بسیار زیاد است.

پدران باید در شبانه‌روز مقداری از وقت خود را (حداقل دو ساعت) به همسر و فرزندان اختصاص دهند، با آنان حرف بزنند، حرف‌های آنان را بشنوند، با مسائل و مشکلات‌شان آشنا شوند، و از جریان‌اتی که در داخل و خارج خانه با آن مواجه بوده‌اند، با خبر گردند. اگر پدری پای صحبت فرزندش ننشیند تا او برایش بگوید که با چه کسانی دوست شده است، اگر در آینده از این بابت مشکلی پیش آمد و دوست او مورد تأیید پدر نبود، پدر حق ندارد فرزند خود را سرزنش کند و شاید بتوان گفت سرزنش فایده‌ای ندارد؛ زیرا که جدا کردن وی از دوستش کار دشواری است.

تأمین غذای روحی فرزندان وظیفه والدین است. این امر در گرو همدمی با آنان در مواقع مختلف زندگی روزمره، از جمله هنگام صرف غذا، مسافرت‌ها، گذران اوقات فراغت و مشارکت دادن آنان در کارها می‌باشد.

پدر وظیفه‌شناس، دارای صبر و حوصله است. با اعضای خانواده، به ویژه فرزندان با صبر و حوصله برخورد می‌کند و برای دستیابی به تفاهم، به نیازها و علایق فرزندان و همسرش توجه دارد. با آنان در کارها مشورت نموده و به عقایدشان احترام می‌گذارد. با حسن نظر، انتقاد اعضای خانواده را می‌پذیرد و لغزش آنان را به موقع و با احترام گوشزد می‌کند. در این صورت است که فرزندان مدافع حقوق و حیثیت پدر می‌شوند، به وجودش افتخار می‌کنند و برای بازگشت او به خانه لحظه‌شماری می‌کنند.

پدر موفق سعی می‌کند با ورود به خانه، خستگی، کسالت، غم‌ها و رنج‌های حاصل از کار روزانه را به فراموشی بسپارد و با خوشرویی و لبخند اعضای خانواده را پذیرا باشد. اگر غم و رنجی هم در دل دارد، آن را

در فرصت مناسب و بدون حضور فرزندان، با همسر خود در میان می‌گذارد و برای مقابله با مسائل و مشکلات خود از همسرش کمک می‌گیرد.

✚ پدر خوب و فهیم همواره از رفتار نامطلوب و خلاف شأن پدری در حضور فرزندان پرهیز می‌کند. زیرا رفتار ناصواب پدر مایه بدبینی فرزندان است. چنین فرزندانی همواره دارای شخصیتی متزلزل هستند. پدری که بر سر مادر، به خاطر یک مسأله کوچک و یا حتی بزرگ داد و فریاد می‌زند و او را تحقیر می‌کند، فرزندان چنین خانواده‌ای ترسو و متزلزل خواهند بود و در صورت ارتکاب خطا آن را انکار نموده و از ترس داد و فریاد والدین به دروغ متوسل می‌شوند.

✚ پذیرش حرف حق و انتقاد فرزندان، نه تنها شخصیت پدر را خرد نمی‌کند، بلکه به او حیثیت می‌بخشد. زیرا این امر موجب می‌شود که فرزندان او را انتقادپذیر و حق‌طلب بشناسند و در مسائل روزمره با او مشورت نمایند. چنین فرزندانی با الگوگیری از پدر افرادی با شخصیت و انتقادپذیر بار می‌آیند. در واقع فرزندان آینه تمام نمای والدین هستند. پس شایسته است با اصلاح رفتار خود در اصلاح فرزندان خویش کوشا باشیم.

✚ پدری که غرور فرزندش را بشکند و او را تحقیر کند و با بی‌اعتنایی چنین وانمود کند که به حرف‌های آنان گوش نمی‌دهد و یا حرف‌های آنان شنیدنی نیست، دچار خطایی بزرگ شده است. بر اساس آموزه‌های دینی پدر وظیفه دارد نه تنها در خلوت بلکه در جمع نیز به فرزند خود احترام بگذارد و به دیگران تفهیم کند که سخنان فرزندان نیز شنیدنی و قابل احترام‌اند.

✚ همدمی پدر با فرزندان دختر به دلیل ظرافت روحی آنان ضروری‌تر است. اغلب مسائل و مشکلات در سایه این همدمی حل می‌گردد.

✚ والدینی که در سن بلوغ، عواطف و احساسات فرزندان خود را نیکو درک کنند و برای آن ارزش قائل شوند، می‌توانند در گرفتاری‌ها و مشکلات، آنان را یاری نمایند و عواطف و احساس آنان را به شور مذهبی، فداکاری، ایثار و اخلاص تبدیل نمایند و فرزندانی نیکو تربیت کنند.

✚ بر اساس فرهنگ دینی مسائل و مشکلات موجود در خانواده از طریق مشاوره، دوستی، مهر، عاطفه و تحمل متقابل حل می‌شود. باید توجه داشت که خانه و خانواده کانون تربیت اخلاقی، مذهبی، اجتماعی، عاطفی و پرورش شخصیت فرزندان است، پس باید به غنی‌سازی این محیط مقدس توجه کنیم تا بتوانیم فرزندانی نیک پرورش دهیم.

✚ سنین ۱۴ تا ۱۸ سال، سنین رفاقت و دوستی‌های آتشین و توأم با صداقت و پاکی است. اما اگر پدر و مادر خود به عنوان یک دوست این نقش را ایفا نمایند، گاهی برخی از دوستی‌ها سر از رسوایی در می‌آورد و

صدمات جبران‌ناپذیری برای فرزندان و والدین به بار می‌آورد و امکان جبران آن وجود ندارد. پس بیایید همیشه و به ویژه در این سن با فرزندان خود طرح دوستی بریزیم و آنان را از خطر و خود را از سرزنش در آینده نجات دهیم.

✚ پدر نه تنها فرزندان خود را سربار زندگی و عامل مزاحم نمی‌داند؛ بلکه آنان را مایه افتخار به حساب می‌آورد. این موضوع، احساس پوچی فرزندان را از بین می‌برد و به زندگی و بودن با این خانواده علاقمند می‌سازد. چنین احساسی به فرزندان خود ارزشمندی را به ارمغان می‌آورد و تبعیت‌پذیری‌شان را افزایش می‌دهد.

✚ واژه مادر، معنی صبر و حوصله، عشق و محبت و همه خوبی‌ها را تداعی می‌کند. مادر دوست داشتنی‌ترین چهره در خانواده و مظهر مهر و صفاست، اوست که دل پر رنج همسر و فرزندان را تسکین می‌دهد و اوست که زمینه مهر و محبت، خیراندیشی و خیرخواهی را در آنان ایجاد می‌کند و در یک کلمه، اوست که تربیت فرزند را به همراه پدر بر عهده دارد.

مادر به عنوان مسئول و حافظ امنیت و تأمین آسایش خانواده و اعضای آن باید موجبات جلب و جذب اعضای خانواده را فراهم آورد. پس این مادر اگر می‌خواهد در انجام این وظایف موفق باشد، لازم است تلاش کند تا شیوه‌های عملی ساختن این امور را بیاموزد.

✚ مادری که می‌خواهد فرزندان امین، راست‌گو و صادق داشته باشد پیش از همه خود باید امین، راست‌گو و صادق باشد. وقتی کودک به آسانی و با گوش خود از اعضای خانواده، به ویژه والدین دروغ می‌شنود و یا عمل خلافی مشاهده می‌کند، چگونه توقع داریم که وی دروغ نگوید. به عنوان مثال، وقتی که مادر در خانه است و کسی زنگ خانه را می‌زند و به کودک گفته می‌شود، بگو مادرم در خانه نیست، چگونه از کودک توقع داریم که راست‌گو باشد. یا زمانی که کودک می‌گوید: کسی به کمد و وسایل شخصی من دست نزنند و علی‌رغم سفارش وی، وسایل او به هم می‌ریزد، چگونه امانت‌داری را می‌آموزد؟!

مادر بهترین رازدار فرزند است و باید زمینه لازم را برای حفظ اسرار فرزندان حفظ کند و از افشای اسرار فرزند خودداری نماید. زیرا در صورتی که مادر راز او را فاش نماید، فرزند ناخودآگاه به سوی کارهای مخفی و پنهان‌کاری و از همه مهم‌تر، دروغ‌گویی روی می‌آورد.

مادران فهیم و خردمند وقتی مصالح و اعتبار خانوادگی را در میان ببینند به فرزند خود تفهیم می‌کنند که ضروری است پدر راز آنان را بداند تا به راه‌گشایی و راهنمایی بپردازد.

مادر دانا به فرزند خود می‌فهماند که هر سخنی را نزد هر کسی نگوید و بداند که پدر و مادر بهترین غمخوار اویند و همواره حافظ سعادت فرزند خویش هستند.

مقایسه فرزندان خود با دیگران، بی‌توجهی به سخنان آنان، به حساب نیاوردن آنان در جمع، نادیده

گرفتن سلیقه ایشان، عدم مشورت و بی‌اعتنایی به نیازهای روحی و جسمی و... همه از عوامل تحقیر و موجب دوری فرزند از مادر می‌گردد.

والدین موفق برای پرورش قوه تدبیر و کاردانی فرزندان خویش برنامه دارند. وادار کردن آنان به تأمل، تفکر و تدبیر در امور و توجه به مصالح و مفاسد عمل، موجبات رشد شخصیت ایشان را فراهم می‌آورد و موفقیت آنان را در زندگی تضمین می‌کند.

مادر و پدر دانا خطای فرزند را در مرحله نخست می‌بخشد و وی را راهنمایی می‌کند تا برای بار دوم این رفتار نابهنجار تکرار نشود و در صورت تکرار، به او هشدار می‌دهد. پس از هشدار و مشاوره، در صدد علت‌یابی و رفع علت بر می‌آید تا زمینه تکرار عمل نادرست از بین برود. سخت‌گیری بی‌مورد، کم‌صبری و بی‌حوصلگی کار را بدتر می‌کند.

هر چند پدر و مادر بر فرزندان خویش ولایت دارند، اما این ولایت بدان معنی نیست که حق هر گونه تصرف، ضرب و جرح و تنبیه را داشته باشند؛ بلکه در صورت اضطرار و ضرورت برای تربیت فرزند گاهی اوقات یک گوشمالی کوچک لازم می‌شود، اما باید زمینه را به گونه‌ای فراهم کرد که حتی این ضرورت هم پیش نیاید.

مادر خردمند و مسئول در کنترل و نظارت بر فرزند به او تفهیم می‌کند که در بایدها و نبایدها تنها مصلحت فرزند مورد توجه اوست نه استبداد و خشونت. زمانی که خواستگاری برای فرزند دختر آمد و یا فرزند پسر علاقمند به ازدواج با دختری است و ما به هر دلیلی با او هم عقیده نیستیم، باید با دلیل منطقی و صحیح علت مخالفت خود را بیان کنیم. بدین ترتیب یا قانع می‌شویم و یا فرزند حرف ما را می‌پذیرد و احساس می‌کند که هیچ‌گونه خشونت و استبدادی در کار نیست و مصلحت او مورد توجه بوده است.

مادر خردمند لغزش و خطای فرزند را با خشونت پاسخ نمی‌دهد، بلکه صمیمانه آن را پذیرفته و با راهنمایی فرزند خود، از تکرار جلوگیری می‌کند.

ترجیح پسران بر دختران و بالعکس اندیشه‌ای غیرمنطقی و جاهلانه است. والدین دیندار و مؤمن بیش از هر کس دیگری باید در این امر دقت نمایند و مواظب باشند که حتی ناخواسته در این دام گرفتار نشوند.

مادر فهمیده از بدبختی و محرومیت‌های زندگی خود برای فرزند سخنی نمی‌گوید. بلکه رخ زیبای زندگی را برای سیر و حرکت به سوی کمال به او می‌نماید و او را به زندگی حال و آینده علاقمند می‌سازد. مادر همواره درس زندگی به فرزندان خود می‌آموزد.

فرزندان به ویژه در خردسالی شدیداً تحت تأثیر اخلاق، کردار، منش و رفتار مادر قرار دارند. رفتارهای مذهبی و خلوص و خضوع مادر و عبادت در پیشگاه خداوند اثرات نیکویی در دل فرزند می‌گذارد و مانع از انحراف فرزند خواهد شد. مادران مومن، فرزندان را به خاطر خدا دوست می‌دارند و می‌کوشند تا نسلی مومن، سازنده،

پویا و ارزنده برای جامعه بسازند، چنین مادرانی مقامی برتر از فرشتگان دارند.

قال رسول الله صلى الله عليه و اله:

رحم الله من اعان ولده على بره، يقبل مسوره و يتجاوز عن معسوره و لا يرهقه و لا يخرق به.

رسول گرامی اسلام فرمود:

خداوند رحمت کند کسی را که در نیکی و نیکوکاری به فرزندش کمک کند، یعنی؛

- آن چه را که کودک در توان داشته و انجام داده از او بپذیرد.
- آن چه انجام آن برای کودک سنگین و طاقت فرسا است از او نخواهد.
- او را به گناه وادار نکند.
- به او دروغ نگوید و در برابر او اعمال سبک و احمقانه انجام ندهد.

الكافی، ج ۶، ص ۴۹

## منابع:

۱. احمدی، سید احمد (۱۳۸۴)، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
۲. حسینی زاده، سید علی (۱۳۶۹)، سیره تربیتی پیامبر و اهلبیت علیهم السلام در تربیت فرزند، ج ۱، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۳. سیف، علی اکبر (۱۳۸۶)، روان‌شناسی پرورشی، تهران: نشر دوران.
۴. شرفی، محمدرضا (۱۳۸۵)، خانواده متعادل، تهران: انتشارات سازمان انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
۵. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۹۸۳ م.
۶. محمدی ری شهری (۱۳۷۹)، میزان‌الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث.
۷. موسسه امام خمینی (۱۳۸۷)، گل‌های زندگی، قم: معاونت فرهنگی تربیتی